جنجال‌های سریال معاویه

با وجود انتظار زیاد برای انتشـار این اثر، موجی از جنجال را بیـن طرفدارانی که آن را یکی از آثار مهم تاریخ اعراب می‌دانند و مخالفانی که نوع پرداخت به شخصیت جنجالی مانند معاویةبن ابی‌سفیان را حساس می‌دانند، به‌ویژه باتوجه به اختلافات تاریخی و فرقه‌ای پیرامون این دوران به وجود می‌آورد.

این سـریال از زمان معرفی خود در سال ۲۰۲۳ با چالش‌های زیادی مواجه بوده اسـت، تغییرات مکـرر فیلمنامه و جایگزینی احمد مدحت به‌جای کارگـردان طارق العریان. بعد از پخش این سریال، مناقشات در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی هم بالا گرفت و برخی از نمایش چهره‌های تاریخی اسـلام مانند صحابه پیامبر انتقاد می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر از اهمیت پرداختن به تاریخ به شیوه‌ای تصویری دفاع می‌کنند.

نمایـش زندگی اولین خلیفه امـوی در عراق به‌دلیل ترس از تنش‌های فرقه‌ای ممنوع شد و در مصر به‌خاطر به تصویر کشیدن شـخصیت‌های اولیه اسلام توسط چهره‌های مذهبی مورد انتقاد قرار گرفت.

در ایران هم ساترا، سریال «معاویه» را به‌دلیل روایت جدیدی از زندگـی معاویه و سـعی در تطهیر خانـدان بنی‌امیه، در تمام رسـانه‌های صوتی و تصویری فراگیر کشور غیرقابل انتشار اعلام کرد. برهمین‌اسـاس باتوجه به مکاتبه‌ای که از سـوی سـازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی با سـکوهای دارای مجوز از این سـازمان در تاریخ ۱۳ اسفندماه سال جاری شده اسـت، دوبله و هر نوع انتشار این محتوا ممنوع اعلام شد.

ساترا همچنین اعلام کرد: برخی رسانه‌های کاربرمحور نسبت به انتشار نسخه زبان اصلی قسمت‌های ۱ و ۲ اقدام کرده بودند که با همکاری دادستانی کل کشور نسبت به حذف دو قسمت یادشده از تمام رسانه‌های کاربرمحور، اقدام شد.

این سـریال همچنین بـا مخالفت شـدید نهادهای مذهبی به‌خصوص الازهر در مصر مواجه شـد. شیخ عبدالفتاح عبدالغنی العوری، محقق برجسته، فیلم ساختن درباره‌ی معاویه را محکوم و استدلال کرد که نمایش یاران پیامبر اسلام در فیلم یا تلویزیون از نظر دینی غیرمجاز است. او گفت: «اصحاب پیامبر نباید به هیچ شکلی از تولیدات نمایشی به تصویر کشیده شوند.»

اما مقتدی الصدر روحانی عراقی که قبلاً از ام‌بی‌سی خواسته بود که سـاخت این سریال را لغو کند، هشدار داد که نمایش این فیلم ممکن است باعث ایجاد اختلافات فرقه‌ای شود. به‌گفته‌ی او، معاویه در تاریخ اسـلام شخصیتی بحث‌برانگیز است. او به‌عنوان بنیان‌گذار سلسله‌ی امویان با علی‌بن ابی‌طالب، داماد پیامبر اسلام، جنگید. پس از شهادت حضرت علی، معاویه کنترل مصر و خلافت را به دست گرفت و دمشق را به‌عنوان پایتخت امپراتوری اسلامی تأسیس کرد.

بـا وجود تحریم و ممنوعیت سـریال «معاویه» در عراق، این سـریال همچنان در ماه رمضان در شـبکه‌های اصلی ام‌بی‌سی پخش می‌شود.

مدحت، کارگردان این سریال درباره‌ی جنجال‌هایی که بعد از پخش ایجاد شده، توضیح داد: «سازندگان اثر کاملاً آگاه بودند که این سـریال به‌دلیل حساسیت دوره تاریخی که به آن می‌پردازد، همچنین روایت‌ها و نظرات متعدد در مورد شـخصیت‌هایی که ارائه می‌دهد، جنجال‌برانگیز خواهد شـد. بااین‌حال واکنش‌های سریع به این اثر به‌ویژه از سوی الازهر پس از نمایش قسمت اول، «غیرمنتظره» بود، به‌رغم اینکه مورد بازبینی مذهبی قرار گرفت.»

خالد صلاح، نویسنده فیلمنامه‌نویس مصری نیز در فیسبوک خود به دفاع از این سـریال پرداخت و نوشت: «این سریال صرفاً روایتی از کشمکش‌های سیاسی آن دوران نیست.» او تأکید کرده که شـخصیت معاویه در این مجموعه به‌عنـوان فردی باهوش و استراتژیست به تصویر کشیده شده که می‌دانست چگونه با شرایط سازگار شود و تنها بر شمشیر متکی نبود.

همچنان انتقادات از این سریال ادامه دارد و ام‌بی‌سی به‌خاطر پخش این سریال تحت فشـار بسیاری است. این شبکه در سال ۲۰۱۲ هم فیلمی درباره‌ی عمر ساخته بود که توسط نهادها و افراد مذهبی بسیاری به‌خاطر به تصویر کشیدن چهره حضرت علی(ع)، مورد انتقاد قرار گرفت.

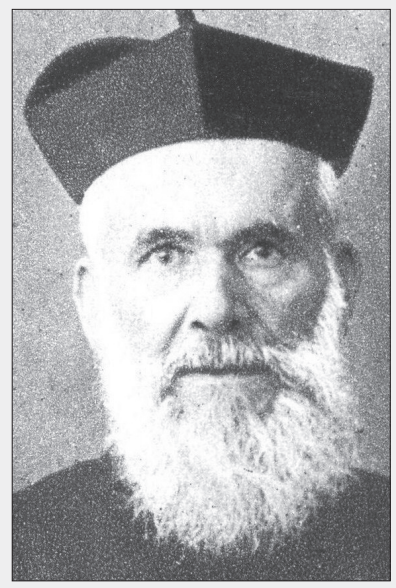

هنری لامنس (۱۹۳۷-۱۸۶۲) کشیش متعصب کاتولیک

نگاه پژوهشگر

تاریخی که بود، تاریخی که هست

محسن محمودی
مترجم و پژوهشگر علوم سیاسی

روایت‌ها و فراروایت‌ها، همچون نخ‌های تسـبیحی که تـار و پود حافظه جمعی یـک ملت را بـه هم می‌بافند، نقشـی بی‌بدیـل در شـکل‌دهی و تثبیت تاریخ ایفـا می‌کنند. ایـن داسـتان‌های مسـحورکننده، ادراک عمومـی را در میان توده‌ها چنان نقشـی می‌زنند که گویی سرنوشـت را از نو رقم می‌زنند. سینما، سریال‌های تلویزیونی و رسانه‌ها به‌طورکلی، از دیرباز در این عرصه جولان داده و روایت‌های خود را در گوشـه و کنار جهان طنین‌انداز کرده‌اند. از میان آتش و خون جنگ‌های جهانی تا سرمای جنگ سرد و روزگار پرهیاهوی معاصر، صنعت سـرگرمی در سراسـر جهان، روایت، هدف یا ایدئولوژی خاص خود را همچون پرچمی برافراشـته اسـت. رسـانه‌ها، با قدرت نرم و دیپلماسـی عمومی خود، همچون ساحرانی زبردست، افکار عمومی را به بازی می‌گیرند، زیرا با مخاطبان عادی ارتباطی تنگاتنگ برقرار کرده و مستقیماً بر اندیشه آنان سایه می‌افکنند. بااین‌حـال این نبرد روایات این‌بار در پهنه خاورمیانـه، عرصه‌ای تازه برای خود یافته است.

خاورمیانه مدت‌هاسـت با کشـمکش و آتش‌افروزی عجین شـده اسـت و مأوایـی برای زورآزمایی قدرت‌های منطقـه‌ای و فرامنطقه‌ای و حتی بدنام‌ترین سـازمان‌های تروریستی شده است. اما فراتر از سایه‌های سنگین سیاست‌های کهنه بازیگران فرامنطقه‌ای، بازیگری نوظهور در زمانه کنونی، در سودای احیای امپراتوری‌های قدیمی هستند.

در ایـن میان، توفانی از نبرد روایت‌ها در قالب سـریال‌های درام نیز در حال وزیدن اسـت. هنر و سیاسـت، همـواره درهم‌تنیده‌اند، اما این‌بـار روایت‌های تاریخی خاصی چنان مورد حمایت قرار می‌گیرند که گویی در حال رقم‌زدن یک «کودتای رسـانه‌ای» هستند. از سپیده‌دمان هزاره سوم، نتفلیکس، با گشودن دروازه‌های جهانیِ پخشِ سـریال‌های درام، به سـلطه درام‌های انگلیسی‌زبان عمـلاً پایـان داد. درحال‌حاضـر این سـرویس پخـش آنلاین، گنجینـه‌ای از سـریال‌های درام را نه‌تنها از کشـورهای صاحبنام در عرصه تولید سـریال‌های تلویزیون، بلکه از کشورهایی همچون کره‌جنوبی، دانمارک و حتی ترکیه و برخی کشورهای عربی نیز به نمایش می‌گذارد. اخیراً صنعت سرگرمی جهانی، شاهد خیزشـی چشـمگیر در درام‌های تلویزیونی خاورمیانه بوده اسـت. درحقیقت محبوبیت فزاینده سریال‌های عربی نشانگر به‌بار نشستن تلاش‌هایی است که متولیان رسانه‌های عرب‌زبان از یک‌دهه پیش برای دور کردن مخاطبان عرب از سریال‌های ترکیه‌ای انجام داده‌اند.

نبرد روایت‌ها: جدال ترکیه‌ای-عربی

سـال گذشـته، سـریال تاریخی «قیام اِرطغـرل» یا آن‌گونه که بسـیاری از طرفداران آن می‌گویند؛ «بازی تاج و تخت اسـلامی»، در بسیاری از کشورهای اسلامی به پربیننده‌ترین سریال بدل شد. «قیام ارطغرل»، حول محور زندگی و سـفر ارطغرل، پدر عثمان می‌چرخد که پایه‌های امپراتوری عثمانی را بنا نهاد. این مجموعه، پرهزینه‌ترین سـریال تاریخ ترکیه بود. سـریال «قیام عثمان» در ادامه این سریال ساخته شده که روایتگر سال‌های پرفرازونشیب زندگی عثمان یکم، پسـر ارطغرل و حلیمه‌خاتون و چگونگی تاسـیس سلسله عثمانی است. ارطغرول به چهره‌ای از قدرت نرم ترکیه با اهداف ملی‌گرایانه تبدیل شده است. در این سـریال نه‌تنها امپراتوری عثمانی به‌عنوان حکومتی توصیف شده که به حقوق و آزادی‌های همه مردمان با هر قومیت، مذهب و زبانی احترام می‌گذارد، بلکه خود ملت‌ها مایل بوده‌اند تا به زیر پرچم این حکومت دربیایند. چند سده امپراتـوری عثمانی در قالب روایتی تک‌خطی منعکس می‌شـود که عملاً هیچ خبـری از نارضایتی، شـورش و سـرکوب اقوام مختلف نیسـت. مهم‌تر از همه آن‌که، دولت کنونی ترکیه آشـکارا به‌مثابه میراث‌دار امپراتوری عثمانی که آماده گسستن زنجیرهای ملل دربند است، منعکس شده است.

ازاین‌رو درام‌های داستانیِ تلویزیونی، همچون تریبونی برای بازتابِ وضعیت اجتماعی-سیاسیِ خاورمیانه عمل می‌کنند و زوایای گوناگونی از درهم‌تنیدگیِ سیاست و درامِ تلویزیونی را ـ چه در مرحله تولید و چه در مرحله نمایش ـ نمایان می‌کنند. برای درکِ ژرفایِ این پیوندِ ناگسسـتنی، لازم اسـت تا هم چشم‌اندازِ رسانه‌ایِ حاکم و هم تاریخِ فرهنگی-سیاسیِ خاورمیانه را به‌درستی شناخت.

درام‌های تلویزیونی عربی، با هدفِ دگرگون‌سـازیِ افکار عمومی ـ چه پیش از وقوعِ تحولاتِ بنیادینِ اجتماعی و چه پس از آن ـ سـاخته می‌شوند. برخلاف داسـتان‌های تلویزیونی مغرب‌زمین، درام‌های خاورمیانه غالباً از وقایع تاریخی به‌مثابه آینه‌ای بـرای بازتابِ اوضاعِ اجتماعی-سیاسـیِ حاکم بهره می‌گیرند. بنابراین این درام‌هـای تاریخی نه‌صرفاً برای جذبِ مخاطـب، بلکه برای ترویجِ ارزش‌های نظام سیاسـی حاکم ساخته می‌شـوند. در غرب، آنگاه که سخن از درام‌های تاریخی همچون «تاج» (ساخته پیتر مورگان) به میان می‌آید، پرسشِ راستین‌بودنِ روایت‌ها و میزانِ انطباقِ آن‌ها با واقعیاتِ تاریخی، همواره در کانونِ بحث‌هـا قرار می‌گیرد. بااین‌همـه موفقیت یا ناکامیِ یک سـریال در بازآفرینیِ وقایعِ تاریخی، معمولاً تأثیری شگرف بر جامعه آن دیار بر جای نمی‌گذارد.

در پهنه خاورمیانه، تاریخ، دیانت و سیاسـت چنان درهم‌تنیده‌اند که گویی تاروپودِ یک قالیِ را تشکیل می‌دهند. این درهم‌تنیدگی، نوعِ نگاه به رابطه میانِ واقعیت و خیال را نیز دستخوشِ تغییر می‌کند. گذشته، همچون گنجینه‌ای از پندهـا و عبرت‌ها در نظـر می‌آید که می‌توان از آن بـرای مقاصدِ گوناگون بهره جست. شخصیت‌های تاریخی گاه چنان تقدیس می‌شوند که گویی هاله‌ای از قداست بر گرداگردِ آن‌ها کشیده شده است. ازاین‌رو بازآفرینیِ گذشته، نیازمندِ آن اسـت که هنرمند، میانِ حقایقِ مسـتند و افسـانه‌هایِ دلنشین، به‌گونه‌ای تعادل برقرار کند که با شیوه رایجِ درام‌سازیِ تاریخی در دیارِ مغرب‌زمین، تفاوتی آشکار دارد.

بدون تردید، درام‌هایِ تاریخی خاورمیانه با بازنماییِ شکوهِ دورانِ سپری‌شده و دلاوری‌هـایِ نیـاکان به شـیوه‌ای ضمنی، زمـانِ حال را تداعـی می‌کنند. سـریال‌هایی که در زمانِ حال و در بسترِ تاریخ روایت می‌شوند، با بهره‌گیری از تکنیکِ همزمانیِ روایی، سازندگانِ درام، به‌دنبال تبلیغ برخی از سیاست‌مداران، رویه‌ها و نگرش‌هایِ خاص هسـتند که در راستای مسیرِ پروژه‌هایِ مدرن‌سازیِ ملـی و منطقه‌ای قـرار دارند. این فرآینـدِ دلالت به‌ویژه در درام‌هایِ چندسـالِ اخیر، شدت یافته اسـت. چراکه این درام‌ها، از گذشته برای تبیینِ روایت‌هایی بهره می‌گیرند که در راستای مشروعیت‌بخشی حاکمان فعلی قرار دارد. به این ترتیب، درام‌هایِ خاورمیانه را عمدتاً باید از دریچه بینش‌هایِ جامعه‌شناختی و سیاسیِ موردِ ارزیابی قرار داد.

آشنایی‌زدایی از «معاویه»

سریال «معاویه» مجموعه تلویزیونی تاریخی است که پخش آن در ماه رمضان سال ۲۰۲۵ (۱۴۴۶ قمری) آغاز شد. این سریال به زندگی معاویةبن ابی‌سفیان، بنیان‌گذار خلافت اموی در دمشق می‌پردازد و دوره بعد از کشته‌شدن عثمان به عفان، خلیفه سـوم، سپس تصدی خلافت توسـط امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) را بررسـی می‌کند، سـپس صلح امام حسن مجتبی (ع) و وقایع پس از آن، ازجمله به قدرت رسیدن یزید بن معاویه، خلیفه دوم اموی می‌پردازد.

فیلمبرداری این مجموعه در ژوئیه ۲۰۲۲ آغاز شـد و بودجه هنگفتی حدود ۱۰۰ میلیون دلار بـه آن اختصاص یافت. این بزرگ‌ترین تولید در تاریخ نمایش عربی اسـت که توسط محمد الیسـاری، خالد صلاح و بشار عباس نوشته شده است و کارگردانی آن را احمد مدحت به‌عهده داشت و توسط استودیو ام‌بی‌سی عربستان سعودی تهیه شده است.

بی‌گمان سازندگان این سـریال به‌دنبال «آشنایی‌زدایی» از معاویه بوده‌اند. آشـنایی‌زدایی (Defamiliarization) ازجمله مفاهیم کاربردی در نظریات نقد هنری و ادبی است که نخسـتین‌بار توسط ویکتور شکلوفسکی در سال ۱۹۱۷ در مقاله‌ای با عنوان «هنر به‌مثابه تکنیک» مطرح شـد و شفیعی کدکنی برای نخستین‌بار برای آن معادل فارسی آشنایی‌زدایی را پیشنهاد کرد. آشنایی‌زدایی وقتی روی می‌دهد که در متن، اشـاره به عناصری بشـود کـه در هر صورت با انتظارات خواننده یا شنونده در بافت فرهنگی متعارف، مألوف نباشد. بنابراین در اینجا قرار نیسـت که معاویه در قامت «پسـر ابوسـفیان و هند بن عتبه، پدر یزید» رسمی‌کننده حکومت موروثی، دشمن خلیفه برحق مسلمین، و بسیاری از صحابی رسـول اکرم (ص) ظاهر شـود، بلکه باید از او آشـنایی‌زدایی صورت بگیرد و او به‌صورت سیاسـتمداری زیرک، عمل‌گرا، نکته‌سـنج و فرصت‌شناس ظاهر شـود که از ابتدا به فکر تأسـیس یک امپراتوری اسلامی و انتقال شکوه و جلال دربار ایران و روم به سـلطنت اسلامی بود که سرانجام توانست این مهم را محقق کند. شـگفت آن‌که سازندگان هیچ تلاشی برای پنهان کردن این مسئله نمی‌کنند تا جایی‌که از همان قسـمت نخسـت که به کودکی معاویه اختصاص دارد، ایـن پیشـگویی و پیش‌بینی کاملاً عیان اسـت. این سـریال قرار اسـت مابه‌ازای امروزی نیز داشته باشد، شاهزاده جوان سعودی که سودایی مشابه در سر دارد و به‌دنبال تحقق آن است.

متن و فرامتن سریال «معاویه»

مشکل سریال «معاویه» به فرامتن محدود نمی‌شود بلکه به شدت در مرحله متن نیـز دچار ایرادات اساسـی اسـت. به‌عبارت‌دیگر، موضوعـی که مجدداً اسـتدلال محوری این جسـتار را مورد تأکید قرار می‌دهد این است که سریال «معاویه» به‌لحاظ هنری نیز به‌شـدت ضعیف، کم‌دقت و فاقد المان‌های هنری اسـت و صرفاً سعی شده تا با استفاده از بازیگران مشهور و محبوب جهان عرب مانند لجین اسـماعیل، وائل شـرف، ایاد نصار، ایمن زیدان، سمیر المصری، سهیر بن عماره و عایشه بن‌احمد، مخاطبان را به تماشای این سریال بنشانند. بودجه ۱۰۰ میلیون دلاری این سـریال نیز عمدتاً صرف جذب بازیگران مشهور شده، نه ساخت سریالی فاخر یا حتی جذاب.

حوادث قسـمت‌های نخسـت سـریال که در آن به جدال میان مسـلمانان بـا قریش، حاکمـان مکه، هجرت مسـلمانان به مدینه، جنگ‌هـا میان قریش و مسـلمانان، فتح مکه توسط مسـلمانان و خلافت خلفای راشدین می‌پردازد، همچون جزئیاتی کم‌اهمیت بسـیار سریع مرور می‌شود، تو گویی که قرار است کلیت اسلام جزئیاتی کم‌اهمیت برای ورود معاویه به صحنه باشد. مقایسه کنید بـا فیلم «پیام یا محمد رسـول‌الله»، شـاهکار مصطفی عقاد که هـر پلان آن با وسـواس و دقت ضبط شـده بود. واقعیت این است که سناریوی این سریال، با نص صریح بسـیاری از منابع تاریخی به‌ویژه منابع معتبر اهل‌سـنت در وقایعی همچون جنگ بدر و احد مخالف است.

علاوه بر این، جزئیات سـریال «معاویه» عملاً فاجعه اسـت. آرایش و لباس زن‌ها عملاً متعلق به بیروت یا دوبی یا ریاض سـال ۲۰۲۵ است. تیپ و استایل بازیگران مرد را نیز همین حالا می‌توانید در ترانه‌ها و شـوهای عربی مشـاهده کنید. معماری حجاز پیش از اسـلام می‌تواند هرجای دیگری در جهان باشـد و هیچ عنصر و المان مختص به جغرافیای فرهنگی زمان ظهور حضرت رسـول (ص) در آنجـا وجـود ندارد. معماری دمشـق نیز عملاً معماری قرون وسـطی اروپاسـت که استفاده از جلوه‌های ویژه برای ترسیم آن، کاملاً هویداست. تمام جنگ‌ها عملاً به یک فرم واحد نشان داده می‌شوند و عملاً تفاوتی بین آنها وجود ندارد. دوربین از بالا میدان نبرد را نشـان می‌دهد، سپس یک سکانس بسته از مبارزه جمعیتی محدود نشـان داده می‌شود. صحنه‌های مربوط اسب‌سواری و اسـتفاده از شمشیر بر بالای اسـب همچون صحنه‌هایی کمیک از کار درآمده اسـت؛ لباس بازیگران رنگ خون به خود نمی‌گیرد؛ گرد شکسـت و هزیمت از همان لحظه نخست بر سیمای دشمن می‌نشیند و جنگ آغاز نشده آنها مغلوب می‌شـوند؛ تمام امرا و شاهان غیرعرب، رُخی اروپایی دارند که تنها جزئیات آن یک ریشِ گردِ کم‌پشتِ بور است. این فهرست البته به‌مراتب بلندبالاتر است اما تا همین‌جا نیز احتمالاً وافی به مقصود بوده است.

یادبود

راوی رنج سیاهپوستان

آتول فوگارد از بزرگ‌ترین نمایشنامه‌نویسان قرن بیستم درگذشت

آتول فوگارد، نمایشـنامه‌نویس اهـل آفریقای جنوبی کـه از او بـا عناوینـی چون نویسـنده‌ای سیاسـی و نمایشنامه‌نویسـی مبارز یاد می‌شـود در ۹۲ سـالگی درگذشت. او که به‌واسطه بارها و بارها روی صحنه رفتن نمایشـنامه‌هایش در ایران، چهره‌ای شناخته‌شده در تئاتر ما به‌شمار می‌آمد، یکی از مشهورترین و موفق‌ترین نمایشنامه‌نویسان آفریقایی بود.

هارولد آتول لانیگان فوگارد، مشهور به آتول فوگارد، ۱۱ ژوئـن ۱۹۳۲ در دهکـده‌ای در جمهـوری فدرال آفریقای جنوبی به دنیا آمد. فوگارد که زبان مادری‌اش انگلیسی بود، خود را یک آفریقایی می‌دانست که به‌زبان انگلیسی می‌نوشت. او از نخستین نمایشنامه‌نویسان سفیدپوستی بود که با بازیگران سیاهپوست همکاری کـرد. فوگارد با وجود تأسـیس دو کمپانـی تئاتری در شهرک‌های جداشده سیاهپوستان و امتناع شجاعانه از اجـرا برای مخاطبان فقط سفیدپوسـت که توسـط دولت تعیین شـده بـود، هرگز به زنـدان نرفت. چراکه خود سفیدپوسـت بود و هدف اصلی دولت نژادپرست آفریقای جنوبی، قرار نداشـت اما همـواره با مصادره گذرنامه، ممنوعیت گاه‌به‌گاه نمایش‌ها و سوزانده‌شدن کتاب‌هایش مواجه می‌شد.

بسـیاری از آثـار فـوگارد همچون «پیونـد خونی» (۱۹۶۱) که مورد اسـتقبال فراوان قرار گرفت، توسـط حکومت وقـت ممنوع اعلام شـده بود. او کـه به‌ویژه در کشـور خودش به‌عنوان مخالفی سیاسی شناخته می‌شد، می‌گفت: «در سال‌های جوانی فکر می‌کردم ساختن بمب بهتر و عملی‌تر از نوشتن نمایشنامه است. موقعیت آفریقای جنوبی بسیار تأسف‌بار و ناامیدکننده بود و هیچ نقطه روشـنی در افق مقابل وجود نداشت، ولی خوشبختانه من در چنبره آن نومیدی گرفتار نشدم و به نهضت خود که مهم‌تر از سـاختن بمب بود، ادامه دادم.» «جمعـه بد»، «نونگوگوا»، «زنی با بیسـت‌وپنج سـنت»، «سـلام و خداحافـظ»، «آن‌هـا زنده‌انـد»، «بوسمن و لنا»، «درسـی از آلوئس»، «دی میتیوس»، «اورسـتس»، «مهمان»، «جایی در میـان خوک‌ها»، «غم‌هـا و شـادی‌ها»، «لوکوموتیوران» و «شـهربازی» ازجمله دیگر آثار این نویسـنده بودند. نویسنده‌ای که نلسـون ماندلا، رهبر مخافان حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی، حضوری قوی در نمایش‌نامه‌هایش به‌ویژه در «جزیره» (۱۹۷۲) داشت که درباره جزیره روبن، زندان زندانیان سیاسـی که ماندلا بخشی از ۲۷ سال حبس خود را در آنجا گذراند، بود.

در این میان با وجود آن که فیلم تحسین‌شده Tsotsi (توتسی) بر مبنای یکی از داستان‌های فوگارد ساخته شـد اما او طرفدار سـینما نبـود و می‌گفـت: «فیلم و تلویزیون با به انحطاط کشیدن نویسندگی و شیوه‌های بازیگـری، لطمه زیـادی به تئاتـر زده‌انـد، طوری‌که بسیاری از نمایشـنامه‌ها حالا درواقع کمدی موقعیت هسـتند و گفت‌وگوهای آن‌ها فقط مزه‌پرانی اسـت.» Tsotsi (توتسی) فیلمی از گوین هود و محصول کشور آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۵ بود که موفق به دریافت اسـکار بهترین فیلم خارجی در همان سـال شد. این فیلم همچنیـن نامزدی دریافت بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه در جشـنواره فیلم‌هـای اروپایـی و نامزدی دریافت بهترین فیلم خارجی در گلدن گلوب را به‌دست آورد. ازجملـه جوایزی که فوگارد در حوزه تئاتر کسـب کـرد، می‌توان به جایزه ادبـی بهترین نمایش خارجی در سـال ۱۹۷۰ به‌خاطر «بوسـمن و بنا»، جایزه تونی بهترین نمایش به‌خاطر «سـی‌زوئه بانسی مرده است» و «جزیـره» در سـال ۱۹۷۴ و جایـزه انجمن منتقدان نیویورک در سال ۱۹۸۰ اشاره کرد.

تأثیـر فرهنگـی و سیاسـی فـوگارد تنهـا بـا نمایش‌نامه‌های نوشته واتسـلاو هاول در چکسلواکی تحت کنترل شوروی قابل مقایسه بود. فوگارد با نگارش بیش از ۳۰ نمایشـنامه، مدام درصدد بود که با تبعیض نژادی مبارزه و با بیان فساد اخلاقی و بی‌عدالتی موجود در حاکمیت آفریقای جنوبی، به‌شکلی متعهدانه عمل کند. او که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین نمایشنامه‌نویسان سیاسـی‌نویس قرن بیستم شـناخته می‌شد هیچ‌گاه از این کـه دیگران را رهبران واقعی مبـارزه بداند، ابایی نداشـت. فوگارد هرچند خود را «نمونه‌ای کلاسیک از یک لیبرال سفیدپوسـت ناتوان» توصیـف می‌کرد اما همـواره درصدد بود، زندگی مردمـان آفریقای جنوبی را که آکنده از تبعیض نژادی بود، به دقیق‌ترین شـکل ممکن به تصویر بکشد.